

رویکرد سره‌گرایی در ترجمه و فرهنگ‌نگاری

مجتبی امینی

دانشجوی رشته‌ی مطالعات ترجمه، مقطع دکتری، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران

m.amini257@yahoo.com

دکتر احمد معین‌زاده ©

دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران

moin@fgn.ui.ac.ir

واژه‌های کلیدی: سره‌گرایی، ترجمه، فرهنگ‌نگاری، واژه‌گزینی، واژه‌سازی.

رویکرد سره‌گرایی می‌تواند باعث تحکیم زبان شود و از افول آن در طول زمان جلوگیری کند. به‌طور خاص، برای زبان پارسی، برخی افراد در دوره‌های مختلف تاریخی به این امر توجه کرده و در حد توان گام‌هایی به سوی پالایش و ارزش بخشیدن بیشتر به این زبان برداشته‌اند ولی فعالیت‌های گسترده و رسمی در این زمینه در سه فرهنگستان زبان پارسی به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند صورت گرفته است. اعمال رویکرد سره‌گرایی در فرهنگ‌نگاری نیز می‌تواند قابل‌تأمل و مفید باشد؛ چراکه با یافتن معادل‌های پارسی سره (در حد امکان) در برابر واژگان زبان‌های دیگر و نوشتن آن‌ها در قالب فرهنگ لغت، واژگان پارسی سره در زبان گفتار، نوشتار و همچنین میان گویشوران ترویج می‌یابند. این مطالعه به بررسی رویکرد سره‌گرایی در فرهنگ‌نگاری و نقش مترجمان در این مقوله می‌پردازد.

تعاریف مختلفی برای سره‌گرایی ارائه‌شده است از جمله: تلاشی عامدانه به‌منظور کاهش تعداد واژگان خارجی یا به‌طور کلی پرهیز از استفاده از آن‌ها [آدامسون^۱، ۱۹۹۹]؛ سره‌گرایی، مکتبی فکری است که به زبان به‌عنوان عنصری می‌نگرد که می‌بایست در برابر فرآیندهای خارجی از آن مراقبت کرد؛ عناصری که ممکن است به آن نفوذ کنند و باعث تغییر آن شوند؛ به‌عنوان مثال فشارهایی که توسط دیگر گویش‌ها و زبان‌ها به آن وارد می‌شود [کریستال^۲، ۱۹۹۱] و تعریف آخر: تمایل جامعه‌ی زبانی یا بخشی از آن برای حفظ شکل زبان یا زدودن آن از عناصر خارجی و دیگر عناصری که نامطلوب تلقی

^۱. Adamson

^۲. Crystal

می‌شوند. این فرآیند تمام سطوح زبان‌شناسی را در بر می‌گیرد ولی نمود اصلی آن در سطح واژگان است [توماس^۱، ۱۹۹۱]. صرف‌نظر از جزئیات تعاریف، نکته مشترک تعاریف، همان پاسداری از زبان به آشکال مختلف است: توجه به زبان نه تنها به‌عنوان ابزار ایجاد ارتباط میان گویشوران آن، بلکه به‌عنوان موجودی زنده که نیاز به مراقبت دارد.

افراد و گروه‌های مختلفی در جامعه می‌توانند در امر سره‌گرایی نقش داشته باشند. یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها مترجمان هستند؛ چراکه در فرآیند ترجمه، واژگانی می‌توانند به زبان مقصد راه یابند که قبلاً معادل نداشته‌اند. اگر در این فرآیند، مترجمان سره‌گرایی را در نظر گرفته و در مرحله بعد با مشارکت در فرهنگ‌نگاری نیز معادل‌های خود را با مشورت افراد دیگر اهل فن اعمال کنند، نقش بسیار مهمی در این رویکرد خواهند داشت. در نتیجه، شاهد نگارش فرهنگ‌هایی خواهیم بود که در عین رسیدن به هدف اول خود که نگارش فرهنگ لغت بوده، با تولید واژگان سره به پالایش زبان نیز کمک کرده‌اند.

مترجمان از سویی مصرف‌کنندگان واژگان تولیدی فرهنگستان و نهادهای دیگر و از سویی تولیدکننده و واژه‌سازانی هستند که طی فرآیند ترجمه قادرند در صورت نیاز و بسته به نوع متن و با رعایت اصول واژه‌سازی - واژگانی مناسب بسازند؛ بنابراین لازم است مترجمان، طی تحصیلات خود به شکل عمیق با فرآیندهای واژه‌سازی و سره‌گرایی آشنا شوند تا با به‌کارگیری آن‌ها هنگام ترجمه، فرهنگ‌نگاری یا آموزش به دانشجویان خود، به پالایش و استحکام زبان پارسی کمک کنند؛ چراکه توجه به این مقوله باعث ارتقای شأن زبان پارسی به‌عنوان میراث ارزشمند و حامل فرهنگ کهن ایرانیان می‌شود. در این بخش، برای نمونه، به تعدادی واژگان مناسب به لحاظ ساختار و کاربرد اشاره می‌شود که می‌توان از آن‌ها به‌مثابه الگویی در فرآیندهای واژه‌گزینی و فرهنگ‌نگاری بهره برد، صرف‌نظر از این‌که حاصل کار کدام فرهنگستان بوده‌اند. پاول^۲ (۱۳۸۳) واژگان ذیل را موفق برمی‌شمرد: درآمد، ماما، نانوا، بیمه، نخست‌وزیر، زیردریایی، کالا. درباره واژگان گردش‌پذیر موفق یا تا حدی موفق نیز می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: پژوهش، پژوهانه، پژوهشگر؛ رایزنی، رایانه؛ دانش، دانشگاه، دانشمند. دلیل موفقیت این واژگان و واژگان مشابه این بوده است که علاوه بر ساختار ساده، بین گویشوران نیز به‌طور کامل جا افتاده‌اند.

نکته حائز اهمیت در سره‌گرایی این است که مترجمان و افراد دیگر اهل فن در واژه‌گزینی و واژه‌سازی، هوشمندانه و با نگرش عمیق عمل کنند. بدین معنی که تمام جوانب واژه مناسب را در نظر بگیرند و واژه‌ای را برگزینند که در مقایسه با دیگر واژگان، مناسب‌ترین است. در این فرآیند، جایی برای تعصباتی نظیر ملی‌گرایی افراطی وجود ندارد. گاهی قرض‌گیری و گرت‌برداری بسیار مناسب‌تر از واژه‌ای است که طبق اصول واژه‌گزینی مناسب نیست و کاربرد آن هیچ کمکی به پالایش و بالا بردن شأن زبان

^۱.Thomas

^۲.Paul

نمی‌کند؛ برای مثال در واژه‌گزینی، گردش‌پذیری واژگان حائز اهمیت است یا به عبارتی، در حد امکان، مصدر واژه مورد نیاز ساخته می‌شود. رویکرد متعادل و سنجیده در واژه‌گزینی هم در فرهنگ‌نگاری و هم در ترجمه باعث می‌شود تا زبان پارسی به‌صورت روزافزون در مسیر پالایش و استحکام بیشتر حرکت کند.

References

منابع

۱. بررسی واژه‌های فرهنگستان اول (مستخرج متن سخنرانی آقای دکتر لودویک پاول در شورای واژه‌گزینی، تهران ۲۰ مهر ۱۳۸۳). نامه فرهنگستان ۷ / ۱۲۳۹-۲۴۳
2. Adamson, S. (1999). Early Modern English Lexis and Semantics. In R. Lass (Ed.), *The Cambridge History of the English Language*, vol. III. Cambridge: Cambridge University Press.
3. Crystal, D. (1991). *Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Oxford: Blackwell.
4. Thomas, G. (1991). *Linguistic Purism*. London and New York: Longman.